

Survival Kit - The Child's School

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

12 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1 to nod along

بدون فهم کامل سر تکان دادن

DEF

To keep nodding as if you understand or agree.

It can imply that someone is pretending to follow a conversation.

FA

به تکان دادن سر به گونه ای که گویی درک می کنید یا موافقت می کنید.
این می تواند به این معنی باشد که شخصی وانمود می کند که یک مکالمه را دنبال می کند.

Do not simply nod along if the explanation is unclear.

اگر توضیح نامشخص است به سادگی سر تکان ندهید.

He nodded along even though he had lost the thread.

با اینکه نخ را گم کرده بود، سرش را تکان داد.

2 a parent-teacher meeting

جلسه اولیا و مربیان

DEF

A scheduled conversation between a child's family and teacher.

Parent-teacher conference is common in American English.

FA

گفتگوی برنامه ریزی شده بین خانواده کودک و معلم.
کنفرانس والدین و معلمان در انگلیسی آمریکایی رایج است.

She prepared three questions for the parent-teacher meeting.

او سه سوال را برای جلسه اولیا و مربیان آماده کرد.

The teacher discussed his progress at the parent-teacher meeting.

معلم پیشرفت خود را در جلسه اولیا و مربیان مطرح کرد.

3 an area of improvement

منطقه ای در حال بهبود

DEF

A skill or behaviour that could become better.

Often used as a constructive alternative to weakness.

FA

مهارت یا رفتاری که می تواند بهتر شود.
اغلب به عنوان یک جایگزین سازنده برای ضعف استفاده می شود.

Could we focus on one area of improvement first?

آیا می توانیم ابتدا روی یک حوزه بهبود تمرکز کنیم؟

Pronunciation is one area of improvement in her English.

تلفظ یکی از زمینه های بهبود در زبان انگلیسی او است.



4

to redirect the pace

برای تغییر مسیر

DEF

To actively change how quickly a conversation or activity is moving.

Redirect means guide something in a different direction.

FA

برای تغییر فعالانه سرعت حرکت مکالمه یا فعالیت.
تغییر مسیر به معنای هدایت چیزی در جهتی متفاوت است.

The question helped her redirect the pace of the meeting.

این سوال به او کمک کرد تا سرعت جلسه را تغییر دهد.

Ask for a pause if you need to redirect the pace.

اگر نیاز به تغییر مسیر دارید، درخواست مکث کنید.

5

to break something into manageable pieces

برای شکستن چیزی به قطعات قابل کنترل

DEF

To divide a difficult task into smaller, easier parts.

A widely useful learning and problem-solving metaphor.

FA

برای تقسیم یک کار دشوار به بخش های کوچکتر و آسان تر.
یک استعاره بسیار مفید برای یادگیری و حل مسئله.

Break the explanation into manageable pieces.

توضیح را به قطعات قابل کنترل تقسیم کنید.

He broke the project into manageable pieces.

او پروژه را به قطعات قابل مدیریت تقسیم کرد.

6

to set a boundary

برای تعیین مرز

DEF

To clearly state a limit or condition that should be respected.

Common in work, relationships and wellbeing contexts.

FA

برای بیان شفاف حد یا شرطی که باید رعایت شود.
در زمینه های کار، روابط و رفاه رایج است.

Asking for one topic at a time sets a boundary.

درخواست یک موضوع در یک زمان یک مرز تعیین می کند.

She set a boundary around after-hours calls.

او مرزی را در مورد تماس های بعد از ساعت تعیین کرد.

7

to report an absence

برای گزارش غیبت

DEF

To officially tell a school or employer that someone will not attend.

Report is the formal action; explain the reason only if necessary.

FA

به طور رسمی به یک مدرسه یا کارفرما بگویید که کسی در آن شرکت نخواهد کرد.
گزارش اقدام رسمی است. فقط در صورت لزوم دلیل را توضیح دهید.

Call the office to report an absence.

برای گزارش غیبت با دفتر تماس بگیرید.

Parents can report an absence through the school app.

والدین می توانند غیبت خود را از طریق برنامه مدرسه گزارش کنند.



8

to be absent from school

از مدرسه غیبت کند

DEF

Not to attend school on a particular day.

Absent is an adjective and normally takes from.

FA

*My child will be absent from school today.**He was absent from school because of a fever.*عدم حضور در مدرسه در یک روز خاص.
غایب یک صفت است و معمولا از آن گرفته می شود.

فرزندم امروز از مدرسه غیبت خواهد کرد.

او به دلیل تب از مدرسه غیبت کرد.

9

after-school pick-up

تحویل بعد از مدرسه

DEF

The time or process of collecting a child after classes.

Pick-up is a noun here; pick up is the corresponding phrasal verb.

FA

*I want to confirm the after-school pick-up time.**Traffic is heavy during after-school pick-up.*زمان یا روند جمع آوری کودک بعد از کلاس ها.
پیک آپ در اینجا یک اسم است. pick up فعل عبارتی مربوطه است.

من می خواهم زمان تحویل بعد از مدرسه را تأیید کنم.

ترافیک در هنگام وانت بعد از مدرسه سنگین است.

10

extra activities

فعالیت های اضافی

DEF

Optional clubs, sports or lessons outside normal classes.

Extracurricular activities is the more formal term.

FA

*Are the extra activities still running today?**She joined two extra activities this term.*باشگاه های اختیاری، ورزش یا درس خارج از کلاس های عادی.
فعالیت های فوق برنامه اصطلاح رسمی تر است.

آیا فعالیت های اضافی همچنان در حال اجرا هستند؟

او در این دوره به دو فعالیت اضافی پیوست.

11

to leave the premises

برای ترک محل

DEF

To go away from the building and the land around it.

Premises is plural in form but can refer to one business or institution.

FA

*Please confirm the time before you leave the premises.**Visitors must sign out before leaving the premises.*برای دور شدن از ساختمان و زمین اطراف آن.
به شکل جمع است اما می تواند به یک کسب و کار یا موسسه اشاره کند Premises

لطفا قبل از خروج از محل، زمان را تأیید کنید.

بازدیدکنندگان باید قبل از ترک محل از سیستم خارج شوند.



12

to take up space

با اعتماد به نفس جایگاه خود را گرفتن

DEF

To confidently occupy a place or role without apologising for being there.

Literal in some contexts, but figurative here: assert your right to participate.

FA

با اطمینان یک مکان یا نقش را بدون عذرخواهی برای حضور در آنجا اشغال کنید.
در برخی زمینه ها تحت اللفظی، اما در اینجا مجازی است: حق خود را برای مشارکت مطرح کنید.

You are allowed to take up space in your child's education.

شما اجازه دارید در آموزش فرزندتان فضایی را اشغال کنید.

She learned to take up space in professional meetings.

او یاد گرفت که در جلسات حرفه ای فضا را اشغال کند.

